

بررسی و ارزشیابی اسناد

(بخش دوم)

نویسنده : تی. آر. شلنبرگ
مترجم : منیره رضوی روحانی
ویراستار : علی سوری

فصل سوم :

به کاربردن معیار ارزشهای اطلاعاتی (تحقیقی)

و کسانی که در بخشهای خدمات اجتماعی کار می کنند. به همان نسبت که نظارت دولت بر امور کارکنانش گسترش می یابد، اسناد بیشتری در این زمینه های وجودی آید. مثلا در خدمات نظامی جهانی، اسناد ایجاد شده، مربوط به گروه سنی مذکور جمعیتی مخصوص است که دست کم در چندین نسخه و به صورت پرستنامه های سرشماری، تهیه شده است.

با اسناد مربوط به یک سریاز، ممکن است درباره مراحل مختلف زندگی نظامی او، مثلا ورود به خدمت در نیروهای مسلح، اوراق کارگزینی و پرونده پزشکی و نیز، سوابق بازنشستگی و خروج وی از خدمت ارتش، به وجود آمده باشد. همچنین، بعد نیست، چنین سوابقی، در جای خود به عنوان اسناد زندگی یک غیرنظامی نگهداری شوند، مانند مذاکره مرتبط با وی، در زمینه های مالیات دارایی، رابطه با برنامه های رفاه دولتی، نظارت بر کارهای تجاری در بخش دولتی و دیگر اقداماتی که ارتباط او را با حکومت نشان می دهد. بویژه فعالیتهای اجتماعی - که در جهت رفاه عمومی صورت می گیرد - از اسناد پر حجمی در موضوعات فقر، نیازمندی، جنایت، جنحه، بیماری و مانند آنها، برخوردار است. تصمیم گیری در این باره که کدامین دسته از اسناد مربوط به «اشخاص» باید نگهداری شود، از مسایل بسیار دشوار است. زیرا این گونه سوابق، از لحاظ کمیت بسیار زیاد، و از حیث محتوا تکراری است و اطلاعات موجود در آنها، به شخص معین و خاصی بر نمی گردد. بویژه در سالهای اخیر، با توجه به رابطه دولت با کارکنانش، این اسناد، بیش از پیش جنبه رسمی و غیر شخصی پیدا کرده، به گونه ای که اطلاعات مربوط به شخص، چندان در آنها دامنه دار نیست و غالباً چیزی فراتر از حقایق آشکاری که برای تعیین هویت آن شخص لازم است، به دست نمی دهند. این اسناد، در بردارنده جزئیاتی است که در یادداشتهای روزانه یا مکاتبات شخص، یافت می شود. اگر این سوابق را تنها از دید داده های شخص مندرج در آنها بررسی کنیم، غالباً از اسنادی شمرده خواهند شد که از ارزش تحقیقی نسبتاً کمی برخوردارند. ولی اهمیت این گونه اسناد، از لحاظ جمعیت شناسی،

اکنون، باید دید که معیارهای «انحصار»، «شکل» و «اهمیت»، در مورد اسنادی که در آرشیو نگهداری می شوند و دارای اطلاعاتی درباره اشخاص، «اشیا» و «پدیده ها» است، چگونه به کار برده شده است؟ در این مورد، لازم است این نکته، خاطر نشان شود که هر سند را تنها نباید از یک جنبه بررسی کرد. زیرا، ممکن است سندی از تمام جهاتی که قبلاً ذکر شد، دارای اهمیت باشد. بدین معنی که سند، ممکن است هم از لحاظ ارتباط با شخص مهم و هم از جهت اینکه در مکان و موقعی حساس به وجود آمده و همچنین، به دلیل آنکه مسئله و موضوع مهمی را موجب شده باشد، مورد توجه و اختتام قرار گیرد.

اسناد مربوط به اشخاص

پیشاپیش، یادآور می شود که اصطلاح «اشخاص» شامل اشخاص «حقیقی» و «حقوقی» می باشد. ارزش اسنادی که به اشخاص مربوط است، از جهت اطلاعات و داده هایی است که درباره خود آن اشخاص، به ما می دهد. و نه از جهت اطلاعات و آگاهیهای غیر مستقیمی که از شرایط و مشکلات و موقعیتهای پیش آمده درباره آن اشخاص، از اسناد مزبور استنتاج می گردد. اسناد مربوط به اشخاص را به مقدار زیادی، دولت های جدید پدید آورده اند. بعضی از انواع اسناد، مانند پرستنامه های سرشماری، نشانگر تعداد افراد موجود در کشور است یا گویای افرادی است که در طبقات مختلف اجتماع هستند و قسمت عمده جمعیت را تشکیل می دهند، مانند: کارگران، کشاورزان، سربازان



مثلاً، بخواهند بر اساس حقایق اساسی و کلی، پژوهش‌های درباره اشخاص، از دیدگاه تاریخی به عمل آورند یا بخواهند تحقیقی از منظر شرح حال نویسی بکنند. به هر حال، این فهرست‌ها، برای پژوهش در امر نسب‌شناسی یا ثبت وقایع درباره اشخاص، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند و معمولاً اسنادی به شمار می‌روند که ارزش نگهداری همیشگی دارند و درست، در همین جاست که ضرورت‌شان آشکار می‌گردد. بنابراین، پرسشنامه سرشماری جمعیت، معیارهای انحصار و اهمیت را به یک اندازه، به خاطر می‌آورد. اطلاعات به دست آمده درباره جمعیت ایالات متحده آمریکا - که در پرسشنامه‌های سرشماری آن کشور، درج شده است - از جهت زمان و مکان، جالب توجه و در عین حال، جامع است. پرسشنامه‌ها، تقریباً پوشش کامل جمعیت را در سال به ده سال نشان می‌دهند. این فهرست‌ها، تمرکز اطلاعات را درباره افرادی که می‌دهند که بیانگر حقایق بسیاری در این زمینه است. این حقایق، در واحدهای کوچکتر هم قابل تصور می‌باشند. پرسشنامه‌ها، معمولاً نشان دهنده نام، سن و زادگاه (کشور) هر یک از ساکنان آزاد ایالات متحده آمریکا می‌باشند. این پرسشنامه‌های آماری، به علت ترتیب و تنظیمشان و شکل تمرکز اطلاعات موجود در آنها، معیار فرم را به خاطر می‌آورند (یا در تنظیم فهرست‌های آماری، باید معیار فرم را هم مورد توجه قرار داد). تعداد بیشماری از اسناد موجود در آرشیوهای ملی، اطلاعات شخصی درباره افراد است و بعضی از آنها به علت همین ویژگی، بسیار باارزشند. برای مثال، می‌توان از سوابق مربوط به تقاضای اجازه اقامت، تقاضای گذرنامه، بازنشستگی، فهرست مسافران، اسناد قدیمی شخصی (اعم از نظامی و غیر آن) و اسناد

جامعه‌شناسی و مطالعات اقتصادی، بسیار قابل توجه می‌باشد. چونکه چنین بررسی‌هایی، ته‌آزمایی ارزشمند خواهد بود که به طور دسته‌جمعی انجام بگیرد. اصولاً، علت تحقیق درباره چنین موضوعاتی، به دست آوردن اطلاعاتی است که جمع‌گیری را دربرگیرد. پس، مقصود، دستیابی به اطلاعاتی نیست که درباره افراد محدود و مخصوص بوده باشد. خلاصه‌های آماری به دست آمده از این اطلاعات، معمولاً از لحاظ بررسمی‌های آماری، ترسیم نمودارها و تهیه فرم‌ها، قابل استفاده می‌باشند. این اسناد، بجز اهمیتی که از دیدگاه تاریخی و شرح حال نویسی دارند، از این جهت هم مهمند که بدانیم این تاریخچه‌ها و شرح حال‌ها، به کدامیک از نامداران بزرگ، مربوط می‌شوند. مسئول آرشیو، مسلماً همه این اسناد را نگهداری می‌کند. یعنی هر آنچه درباره مثلن افراد در گذشته، نوشته شده است. اما، باید خوب بداند که از میان میلیون‌ها سندی که هم‌اکنون نگهداری می‌شود، اسناد چه کسانی، قابلیت نگهداری همیشگی دارد! از میان ردیف‌های انبوه اسناد موجود در آرشیوهای ملی - که جزو اسناد مربوط به اشخاص است - پرسشنامه‌های سرشماری نفوس را می‌توان نام برد. این نوع اسناد، برای برداشتن بسیاری از مشکلات موجود در سر راه ارزیابی اسناد مربوط به اشخاص، می‌تواند کمک مؤثری باشند. از آنجا که فهرست‌های اصلی این نوع آمارها، بسیار جاگیر است، برای مسئول آرشیو، دست کم این پرسش پیش می‌آید که اگر این سوابق، به شکل خلاصه‌های آماری دربیاید، آیا به قدر کافی خواسته‌های محققان را بر نمی‌آورد؟ می‌تواند کاملاً از اطلاعات کلی موجود در فهرست‌ها، برای تهیه گزارش نهایی چایی، قابل استفاده است. با این حال، فهرست‌های اصلی سرشماری



جمعیت از سال ۱۷۹۰ تا ۱۸۸۰، در آرشیوهای ملی نگهداری شده و آرشیو ملی آمریکا، یکی از چندین مؤسسه آرشیوی دنیاست که این نوع فهرست‌ها و اسناد را نگهداری می‌کند. در حالی که خلاصه‌های چاپ شده و چاپ نشده آماری، می‌تواند کاملترین و بیشترین اطلاعات لازم را به محققان بدهد. گاهی این خلاصه‌ها، ناکافی به نظر می‌رسند. مثلاً، لازم بوده، بررسی‌هایی درباره اقامت یا مهاجرت گروه‌هایی از ملیتهای مختلف، انجام بگیرد و این کار، تنها با نوشته شدن نام افراد ذینفع، امکان‌پذیر بود و حال آنکه برای چنین کاری، فقط فهرست‌های کلی وجود داشت که باید استفاده می‌شد. همچنین، گاهی ممکن است این فهرست‌ها، به منظورهای خاصی مورد استفاده محققان واقع شود.



مهاجرت و تابعیت، یاد کرد. باید دانست که اسناد دیگر اگرچه دارای اطلاعاتی درباره افراد باشند - صرفاً به خاطر ارتباط با اشخاص، حایز اهمیت نیستند، بلکه از این جهت که به طبقه‌ای خاص مربوط می‌شوند، مورد توجه قرار دارند. به عبارت دیگر، این نوع اسناد، از جهت ارتباط با طبقه‌ای خاص، مورد نظر هستند نه به علت اطلاعاتی که درباره شخصی بخصوص دوبردارند. اطلاعات مربوط به این نوع طبقات خاص، منحصرأ یا بدو، ماهیت شخصی ندارند. البته، ممکن است بایده‌های اقتصادی و جغرافیایی یا سایر موضوعات، مربوط باشند. این مسئله، ما را از توجه به ارزشهای شخصی دور می‌سازد و به ارزشهایی که برای مطالعات پدیده‌ها باید مورد ملاحظه قرار گیرد، متوجه می‌سازد. درباره این نکته، در قسمتهای بعدی - که اسناد را از جهات گوناگون مورد توجه قرار می‌دهد - بحث خواهد شد. اسناد، از جهت اطلاعاتی که درباره اشخاص به دست می‌دهند، ممکن است در دو دوره متناوب انتخاب شوند. در درجه اول، باید اسنادی را برای نگهداری انتخاب کرد که دارای اطلاعات فشرده و متراکم است مانند پرسنامه‌های آمار جمعیت - که به عنوان مدرک واحد، نشان‌دهنده، اطلاعات وسیع و همه‌جانبه و متنوع به صورت متمرکز می‌باشند. در درجه دوم، تعداد محدودی از پرونده‌ها یا پوشه‌های موضوعی را - که نشان‌دهنده کلیه مطالب موجود در یک مدرک است یا مدارکی را که برای بررسی یک واقعه کافی باشند - باید انتخاب کرد.

در مورد شق دوم، برای انتخاب تعداد محدودی از پرونده‌های مربوط به افراد، دو اصل زیرارامی توان رعایت کرد:

۱- انتخاب ویژه،

۲- نمونه‌گیری آماری.

در سالهای اخیر، معمولاً پرونده‌های مدارکی نگهداری می‌شدند که طبعاً جنبه اطلاعاتی داشتند؛ ولی در سالهای بعد، پرونده‌های کسانی نگهداری خواهد شد که برای کارمندان، سمت سرپرست یا راهساز دارند یا در زمینه‌های اجرایی خدمات دولتی، مدیریت دستگاه بزرگی به ایشان محول شده است، یا پرونده اشخاصی که به علت ارتباط با افراد زیاد، بنهایی قابل اهمیت شده‌اند. همچنین، ممکن است این اصل انتخاب ویژه، از این جهت اعمال شود که مدارکی از پدیده‌های اجتماعی یا سایر پدیده‌ها، به دست ما بدهد.

اصول نمونه‌گیری آماری، فقط هنگامی به کار می‌رود که اسنادی که انتخاب می‌شود برای مطالعات دسته‌جمعی مورد نظر باشد نه موضوعات فردی.

قبل از شاتمه بحث درباره اسنادی که متضمن اطلاعاتی در مورد اشخاص هستند، لازم است توجه بیشتری نسبت به استفاده‌های شخصی از چنین اسناد، شود. موارد استفاده‌ای که در اینجا باید به آنها توجه شود، آنهایی است که مربوط به مسایل مالی، حقوقی، یا حقوق مدنی افرادی شود. به عبارت دیگر، این شوال مطرح می‌شود که چه

وقت یک‌سازمان اسناد، مجبور است اسناد را صرفاً به خاطر استفاده‌های شخصی نگاهداری کند؟ اسناد عمومی، دلیل قطعی همه حقوق و امتیازات مدنی دایمی است و دلیل اولیه حقوق مالکیت و حقوق مائی و موقت، این است که از روابط دولت یا شهروندان سرچشمه گرفته یا مربوط به آن باشد. برخی از موارد حقوق مالکیت و مالی، ماندگاری بیشتری دارند در حالی که برخی دیگر، دارای طبیعی گذرا و موقت می‌باشند. در میان مهمترین اسنادی که به اشخاص مربوط می‌شوند، اسنادی وجود دارد که حقایقی را درباره ولادت یا هویت یا موقعیشان از لحاظ ازدواج، روشن می‌کند. این حقایق، اساس کلیه حقوق ناشی از قرابت است: حقوقی مانند حقوق مالکیت و تابعیت و امثال آن، امتیازاتی است که از اجتماعی بودن در شئون مختلف برای انسان حاصل می‌گردد. آرزوهای ملی، حجم زیادی از اسنادی را که نشانگر حقایق قطعی درباره اشخاص است، نگاهداری می‌کنند و صورتی از آنها گرد می‌آورند و این اطلاعات را برای کسانی جمع می‌آورند که خواستار معلوماتی درباره سن و تابعیت اشخاص هستند. پرسنامه‌های سرشماری - که به اندازه‌های مختلف دیده می‌شوند - از مهمترین اسنادی است که به مقدار معتابیهی برای روشن کردن حقایق درباره اشخاص، به کار می‌روند. این اسناد، به طور معمول، از اسناد اساسی قابل استفاده، به وجود آمده‌اند. در هر اجتماع پیشرفته‌ای، دولت، موظف است اسناد ضروری تولدها، ازدواجها و مرگها را نگهداری کند. تاریخچه نگهداری این نوع اسناد، به گذشته برمی‌گردد. اسناد حیاتی بیانگر اطلاعات تولد، مرگ و ازدواج، بیوسته در کشورهای مربوط، نگهداری می‌شود. همان طور که در حال حاضر، نسبت به حجم اسناد قابل نگهداری عمل می‌شود، دولت فدرال هم، در آینده، از نیاز به نگهداری مقدار زیادی از اسناد دارای اطلاعات جزئی درباره تولدها، ازدواجها و مرگها، آسوده خواهد شد. طبقه مهم دیگر اسناد مربوط به اشخاص، اسنادی است که حقایقی راجع به مالکیت مطرح می‌سازند. این نوع اسناد - که به حقوق مالکیت مربوط می‌شوند - اغلب، طبیعت موقتی دارند؛ چنان که اسنادی مانند قراردادهای منعقد با دولت، قراردادهای وام و مانند آن، از چنین خاصیتی برخوردار هستند. ارزش این قراردادها، فقط تا زمانی است که تعهدات ناشی از آنها، بین دولت و اشخاص برقرار و معتبر باشد. به هر حال - همان طور که «میسز»، آرشویست المانی، متذکر شده است - حقوق مالکیت وجود دارد که به موضوعات اساسی و کلی، ارتباط پیدا می‌کنند. مانند حقوق مالکیت واقعی - که نخستین بار، در کشور آلمان وضع شد. در آرزوهای ملی، این طبقه از اسناد، بهترین نمونه اسناد اداره کل اراضی می‌باشد - که در قلمرو عمومی (دولتی)، به اشخاص منتقل می‌گردد. طبقه مهم دیگر اسناد مربوط به اشخاص، سندهایی است که حقایق را درباره خدمت اشخاص به دولت، در هر یک از سمنهای نظامی یا اداری و کشوری، روشن می‌کند. این حقایق، در برقرار ساختن تعدادی از حقوق ضمنی، از قبیل حقوق بازنشنگی و سایر مزایای مربوط به آن، ضروری است.



طیقات بیشتر دیگری از اسناد وجود دارد که از لحاظ نوع و میزان حقوق اشخاص، مهم است. البته، فهرست این نوع اسناد، بی پایان است. لیکن چون این اسناد، در نتیجه روابط فرد با دولت به وجود می آیند و هر آن، ممکن است فردی برای روشن کردن این روابط، بدان نیاز داشته باشد، زمان و محل نگهداری آنها، از مسایل سیاست عمومی دوتنها به شمار می رود. با وجود این، اسنادی که ارزش آنها منحصرآ به اشخاص مربوط است، حجم بیشماری از اسناد را شامل می شود که متضمن آمارها و اطلاعاتی درباره اشخاص حقیقی یا حقوقی است. معمولا این نوع اسناد، به صورت پرونده های موضوعی است که دارای اطلاعات مربوط به روابط دولت با شرکت های خصوصی می باشند. این اسناد،

اسناد مربوط به اشیاء

اصطلاح «اشیاء»، شامل اماکن، ساختمانها و سایر اجسام است. در بحث اسناد مربوط به اشیاء، ارزشهای موردنظر است که از اطلاعات موجود در خود آنها سرچشمه می گیرد، نه از رخدادهایی که درباره آنها پیش آمده است. در میان اساسی ترین چیزهایی که افراد بشر با آن سروکار دارند، زمینی است که در روی آن زندگی می کنند. آرتیوهای ملی، دسته های زیادی از اسناد مربوط به زمین را نگهداری می کنند. اسناد منابع معدنی، در اداره معادن، و آنچه از لحاظ خاک، مربوط به طبقه بندی زمین است، در اداره خاک شناسی به وجود می آید. اما در مورد دیگر، مثلا نقشه برداری یا کاوشهای اکتشافی، این کار از طریق بررسیهای مربوط به زمین شناسی، انجام می گیرد. درباره مالکیت اراضی که شامل املاک عمومی یا زمینهای دولتی (خالصه) می شود، اسناد، در اداره مرکزی اراضی به وجود آمده اند. همچنین است، در موارد مختلف مربوط به شرح کیفیات هر محل و علائم مخصوص جغرافیایی و زمین شناسی.

اسناد مربوط به زمینهای موجود در قلمرو دولت، برای روشن ساختن بسیاری از مشکلات از قبیل اراضی که در نتیجه ارتباط با اشیاء رخ می دهد - نگهداری می شوند. سوابق مربوط به مالکیت زمین یا تصرف آن، بیانگر توضیحاتی است که نشان می دهد، زمین مزبور در کدام بخش و شهرستان قرار دارد. از زمانی که به موجب مدارک، سند مالکیت زمین، از حیث قدرت دولت (خالصه) به افراد منتقل شده، اسناد اولیه این اراضی، برای نشان دادن پیشینه حق مالکیت مصرفان جدید،

با به شکل گزارشهای رسمی تنظیم شده اند و یا صورتی از عملکرد و عواید شرکت های خصوصی را نشان می دهند.

در میان این پرونده های موضوعی، اسنادی یافت می شود که با امور ورشکستگی، عدالت و اجرای قانون در دادگاههای بخش و دادگاههای رسیدگی کننده به دعوی بزرگتر، مربوط می گردد. و همچنین، با اختلافات ناشی از کار و مطرح ساختن آنها در مراحل مختلف رسیدگی و نیز، با مسایل مربوط به کارخانه و بازاریابی مواد غذایی و دارویی، مقررات بازرگانی داخلی، حمل و نقل و ارتباطات و مخابرات، ارتباط می یابد. در میان گزارشهای رسمی یا گزارشهای اداره معادن، درباره فروش، تولید، استخدام و امثال آن، اسناد دیرپا و ماندگاری می توان پیدا کرد. معمولا این نوع اسناد، به خاطر اطلاعاتی که به طور کلی درباره تجارت و اوضاع مالی به ما می دهند، نگهداری می شوند نه به علت یافته هایی که درباره شرکتی خصوصی، می توان از آنها به دست آورد. به هر حال، دلایلی در مورد علت نگهداری این اسناد، برای بررسی در زمینه های مخصوص، وجود دارد. در هر آرتیو، بیشتر اسناد مربوط به اشخاص، مخصوصاً اسناد مربوط به شخصیت های حقوقی (شرکتها)، از جهت اینکه ارزش نگهداری جمعی دارند، حفظ می شوند نه صرفاً به دلیل ارزش آنها در بررسیهای تاریخی شرکتی خاص.

براین اساس، اسناد مذکور، در زمینه های مختلف اقتصادی و اجتماعی، ارزش مطالعاتی دارند - که در بخشهای بعد، مورد بحث قرار خواهند گرفت.



نگهداری شدند. این اسناد، با همین منظور، تا زمانی که شیوه کنونی پابرجاست، باید نگهداری شوند تا مالکیت واقعی هر یک از اراضی، شناخته و ثابت گردد. همان طور که قبلا یادآوری شد، سوابق مربوط به مالکیت زمین هر خریدار خانه از املاک خالصه، نشانگر اطلاعات شخصی از قبیل: سن، زادگاه و نیز، در صورت اقتضا، تابعیت، خواهد بود. بنابراین، سوابق مزبور، در سطح بالایی برای مقاصد نسب شناسی هم، می تواند استفاده شود. به طور کلی، از زمانی که سوابق مربوط به مالکیت زمین از جهت استقرار مردمی که در غرب زندگی می کنند، مورد مطالعه قرار گرفت و نیز، از هنگامی که انتقال زمین دولتی (خالصه) عملی گردید، این سوابق، بندرت مورد استفاده قرار گرفت و اطلاعات مندرج در آنها، که در مورد مشخصات خود اراضی بود - اهمیت زیادی نداشت. این مدارک، با ملاحظه حجم و ترتیبشان و یا توجه به اینکه معیار شکل و اهمیت، در نگهداریشان رعایت نشده، ارزشهای اولیه شان طوری است که باروش متغیر فعلی، هیچ کارمند دولتی، حق از بین بردن آنها را به خود نخواهد داد. در میان آشنایی که اسناد آنها در آرشیو ملی نگاهداری می شود، اسناد مربوط به اشیای ساخت افراد است. اما، به همان نسبت که این اشیاء فاقد دوام و بقا هستند، اسناد مربوط به آنها نیز، از ارزش دایمی بی بهره اند.

در میان این نوع اسناد، اسناد مربوط به پیشرفتهای داخلی هر ملت نیز، یافت می شود؛ مانند سوابق تأسیس راه آهنهای جدید و ساختمانهای نو. سوابق ساختمانها، ممکن است از این جهت نگهداری شوند که پیشینه فنی آنها را منعکس می کنند. البته، این موضوع مسلم است که سوابق ساختمانهای خصوصی یا عمومی، بخصوص از جهت میک معماری یا جزئیات فنی دیگر، نباید نگاهداری شود. زیرا، اطلاعات چاپ شده در این موضوعات، به حد کافی، در دسترس می باشد. سوابق ساختمانها، فقط زمانی از لحاظ آرشیوی مهم است که خود ساختمانها، واجد اهمیت باشند و ساختمانها، هنگامی اهمیت پیدا می کنند که با شخصیتهای مهم تاریخی، مربوط شوند یا در آنها، وقایع مهم تاریخی، اتفاق افتاده باشد یا به عنوان نمونه برجسته ای از ساختمانهای ادوار مختلف معماری، به شمار روند. خانه های رؤسای جمهور، موزه ارمیتاژ، کاخ سفید و غیره، به علت پیوندهایی که با برخی حوادث برجسته تاریخی دارند، واجد اهمیت هستند. در نتیجه، تمامی سوابق آنها نیز، مهم می باشد. در ارزیابی سوابق این گونه ساختمانها، همان گونه بر خورد می شود که درباره اسناد قرن گذشته برخورد شد، یعنی: نگهداری همه چیز، با این وجود، در مورد اسناد متعلق به روزگار اخیر، قدر مسلم، هر چیزی را ولو متعلق به پراهمیت ترین مکانها باشد، نمی توان نگاهداری کرد. زیرا، بسیاری از اسناد، احتمالاً با مسئله بی اهمیت کمبود جا، مواجهند. دسته دیگر اسناد، مربوط به اشیای ساخت بشر است - که نمونه های بیشمار آن، مانند سوابق کشتیها، در آرشیوهای ملی نگهداری می شود. ردیفهای زیادی از این نوع اسناد، مانند: طرحها، نقشه ها و کلیشه های آنها و کشتیهای نیروی دریایی موجود است که

جزو اسناد وزارت دریاداری حفظ می شوند و سوابق کشتیهای تجاری، در میان اسناد وزارت بازرگانی نگهداری می شوند. این هر دو دسته، هم از لحاظ قدمت ارزش دارند و هم از جهت تحقیق علمی. بخوبی روشن است که مطالعه سوابق طرحها و سازوکار کشتیهای مختلف در دوره های متفاوت، موضوع جالبی برای گروه کثیری از افراد خواهد بود. اما، در اینکه تحقیق درباره اسناد کشتیهای جدید، به اندازه تحقیق درباره کشتیهای قدیمی جالب هست یا نه و همچنین، در اینکه مشکل آرشیو، حق دارد ردیفهایی از سوابق کشتیهای نسبتاً جدید را نگاهداری کند یا نه، تردید وجود دارد. نوع دیگری از اسناد مربوط به اشیای ساخته شده - که در آرشیوهای ملی موجود است - اسناد مربوط به حق امتیاز اختراعات است - که آن را دولت ایالات متحده آمریکا، اعطا کرده است. این دسته از اسناد، نشان می دهد که چرا برخی از مدارک، بیش از آنکه از جهت انعکاس مراحل اداری حکومت، ارزشمند باشند، از لحاظ اطلاعاتی که در مورد اشیاء به دست می دهند، دارای ارزشند. گرچه پرونده های مربوط به اعطای امتیازات اختراع، ممکن است از لحاظ روشن کردن مراحل اداری نیز، مفید باشد. برای مثال، حق امتیاز اختراعی که در سال ۱۵۹۴ توسط دوگ و نیز (۱) به خاطر اختراع ماشین آبرسانی و آبیاری زمین، به گالی (۲) اعطا شد، به همان نسبت که توسعه فناوری آن دوره را نشان می دهد، روشن کننده روش اعطای حق اختراع در آن دوره نیز، می باشد. انحصارات و امتیازاتی که از طرف مستعمرات آمریکایی، قبل از تأسیس دولت فدرال اعطا شده، نشان دهنده زندگی صنعتی، در آن دوره استعماری می باشد. اولین پرونده های مربوط به اختراع، همراه با فرمها، نقشه ها، کروکی و طرحهای مربوط به آن، از لحاظ اطلاعاتی که در مورد خود اختراعات دارند و نیز، به علت دربرداشتن داده هایی درباره توسعه فناوری کشور، حائز اهمیت می باشند. اما، در حالی که اولین پرونده های موضوعی «مربوط به این مطلب، از لحاظ تحقیقی مفید می باشند، پرونده های جدیدتر، از این لحاظ، کمتر اطمینان بخشند. به موازات توسعه فناوری کشور، اختراعات مربوط به وسایل صنعتی و مکانیکی، بیش از پیش تخصصی می شود.

پرونده های جدید، بویژه پرونده هایی که از سال ۱۹۰۰ باقی مانده و معمولاً مربوط به قسمتهای کوچکی از جریانات پیچیده ماشینهاست و بندرت به مسایل مکانیکی جدید مربوط می شود، قسمت مهمی از زندگی اقتصادی کشور را نشان می دهند. با این وصف، این پرونده ها، بتهایی اهمیت کمتری از پرونده های قدیمی دارند و اطلاعات مندرج در آنها، به نسبت قابل توجهی در مالهای اخیر، به شکل مدارک چاپ شده، قابل استفاده شده اند. از نظر دیگر، اختراعات ثبت شده، خود نمایانگر اطلاعاتی است که دولت را وایمی دارد که چنین سوابقی را از لحاظ نشان دادن پیشرفت فناوری، نگهداری کند. فقط تعداد کمی از پرونده های منحصر به فرد اختراعات بسیار مهم در زمینه توسعه صنعت و فن و فناوری وجود دارد که بعد از سال ۱۹۰۰، قابل نگهداری تشخیص



اسناد مربوط به حوادث و وقایع

اصطلاح پدیده، سایلی را در زمینه رخداد‌های مربوط به اشخاص، اشیاء، شرایط فعالیتها و برنامه‌ها، وقایع، حوادث مهم و غیره، مطرح می‌سازد. اصطلاح پدیده در اسناد عمومی، اساساً بیشتر از نظر علمای اجتماعی مورد توجه است. لیکن، بعضی از این اسناد، ممکن است از نظر دانشمندان علوم طبیعی هم، جالب باشند. اگر حوادث (پدیده‌ها)، قدیمی باشند، در درجه اول، از نظر مورخان مهم هستند و اگر از رخداد‌های جدید باشند، از نظر جامعه‌شناسان و

علمای اقتصاد، یا کسانی که در امور حکومتی تحقیق می‌کنند، مورد توجه خواهند بود. از زمانی که اسناد قدیمی، بیشتر مورد نظر آرشیوینها قرار گرفته است، علاقه به تحقیقات تاریخی، بیشتر اهمیت یافته است. آرشیویست یا کارشناس اسناد، بدون توجه به رشته تحصیلی خود، به طور معمول اسناد را در درجه اول، بر اساس ارزشهای تاریخی یا عمایق تاریخی، مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

چون آرشیویستهای جدید، معمولاً در رشته تاریخ آموزش دیده‌اند، پس این حقیقت باید پذیرفته شود که در ارزیابی اسناد عمومی (دولتی) برای تحقیقات تاریخی، صلاحیت دارند. تقریباً بیشتر آرشیویستها، کلیه اسنادی را که به شخصیتها، حوادث و وقایع بسیار مهم مربوطند، قابل نگهداری می‌دانند. چنانکه مثلاً میچ آرشیویست امریکایی، آگاهانه اسناد مربوط به وقایع مهمی مانند قانون منع مشروبات فاسق، واقعه خرید لویزیانا از کشور فرانسه، یا شخصیتی مثل آبراهام لینکلن را از بین نمی‌برد. اگر اطلاعات آرشیویستی کامل باشد، علاقه مند می‌شود که اسناد مربوط به شخصیتها و حوادث مهم را - که در دوره معنی اثرشان محرز بوده، اگرچه برای عده‌ای بی اهمیت باشد - به عنوان اسناد قابل ملاحظه، نگهداری کند. بیشتر آرشیویستها، احتمالاً منابع اساسی اسنادی را که برای بررسیهای سیاسی و تاریخیچه ارتش، از اولین مسایل اصلی مورد مطالعه مورخان بوده است، نگهداری می‌کنند. برای مثال، آرشیوهای ملی، گزارشهای ارسالی مقامات رسمی و دستورهای وزارتخانه‌هایی را که از لحاظ مطالعات امور خارجه، نگهداریشان لازم است و همچنین، پرونده‌ها و گزارشهای جلسات مجلس نمایندگان و سناترا که از جهت مطالعه اوضاع سیاسی، ضرورت

دارند و نیز، ردیفهای مختلفی از اسناد را که برای مطالعه جریانات مربوط به جنگ، در وزارت جنگ و در یادآوری تهیه شده است، نگهداری می‌کنند. به هر حال، اگر تصویر کاملی از لحاظ روابط دیپلماسی و سیاسی و نظامی از این اسناد به دست بیاید، این منابع اصلی و اساسی، می‌باید همراه بادیگر ردیفهای اسناد، نگهداری شوند تا توأمآ قابل استفاده باشند. مثلاً، ردیف اسناد روابط دیپلماسی کشورها با یکدیگر، می‌باید مکمل اسنادی باشد که موضوعات اقتصادی را در بر می‌گیرد؛ بویژه اسنادی که در سازمانهای دولتی به وجود می‌آید و به تجارت بین‌المللی مربوط می‌گردد. از طرف دیگر، ارزیابی اسناد از دیدگاه ارزش تاریخیشان، زمانی با اشکال مواجه است که به نهضت‌های تاریخی و تحولات و تحرکات تاریخی و مانند آن، مربوط شوند. در اینجا، گزینش مشخصی از اسناد قابل استفاده، می‌باید به عمل بیاید. موقتی که اسناد، به موضوعات اقتصادی یا اجتماعی مربوط می‌شوند، برای ارزیابی آنها، نیاز به دانش تخصصی بیشتری احساس می‌شود. اینجاست که دانش اقتصاددانان و جامعه‌شناسان و محققان، به صورت مقررات دیگر، خودنمایی می‌کند. اسناد دولتی اخیر - که برای این نوع محققان جالب می‌باشد - به طور خاصی از نظم و فعالیت‌های اجتماعی ناشی از اقدامات رفاهی دولتهای جدید، به وجود می‌آید. چنین اسنادی، ممکن است از جهت مطالعات جنبه‌های مختلف اجتماع جدید، واحد اهمیت واقعی باشند. برای مثال، از این اسناد، می‌توان برای مطالعه پیامد فعالیت‌های دولتی در زمینه‌های رفاه عمومی و عواقب کار سازمانهای اقتصادی و بخش خصوصی تابع مقررات دولتی، یا طرحهای عمران شهری و روستایی - که در سطح کشور در حال



۳- شامل اطلاعاتی باشد که برای مطالعه شرایط خاص اقتصادی یا اجتماعی، کافی تشخیص داده شود.

بهتر است که این اصل انتخاب ویژه، از اصول نمونه‌گیریهای آماری، مشخص و مجزای باشد.

موضوع دیگری که در قرن حاضر، سرعت پیشرفت کرده است، دانستن انواع روشهاست - که معمولاً آرشیبیستها از آن بی‌اطلاعتند. فنون جمع‌آوری، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل آماری، تطبیق اطلاعات و داده‌ها و محاسبه میانگینها و احتمالات و پیش‌بینیها، رسم متحنیها و گردآوری شماره‌های فهرستها، هنرهایی است که به تخصص عالی نیاز دارد و قسمتی از اصول ممتاز می‌باشند. فن نمونه‌گیری آماری، حتی اگر برای آرشیبیست شناخته شده باشد، به‌طور عادی نمی‌تواند در انتخاب اسناد، استفاده شود. آرشیبیست، اسناد را برای استفاده‌های اتفاقی، نگهداری می‌کند. آمارشناس، قبلاً باید بداند که نمونه‌گیریهای آماری را در موارد مخصوص، چگونه باید استفاده کند. آرشیبیست، اسنادی را انتخاب می‌کند که بتواند کلیه مشخصات مورد لزوم را نشان بدهد. آمارشناس، طبق فرمولهای ریاضی شناخته شده، نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند که اطلاعات موثق قابل سنجشی را - که در دنیا قطعی شده است - عرضه بدارد. پرونده‌هایی که در کارگزاران، بیهوده، برای مشتریان تشکیل می‌شود، شامل اطلاعات پرارزشی در زمینه مسایل اجتماعی، اقتصادی و انسانی و تجدیداعبارات و اعطای وام، می‌باشد. بنابراین، این پرونده‌ها، از جهت مطالعات اجتماعی، اقتصادی و اوضاع و احوال زمان بحران، همانقدر مفیدند که از جهت مطالعه و ارزشیابی رویه‌ها و طرز تفکرها و فتنونی که در تهیه برنامه‌ها به کار می‌رود. از زمانی که حجم پرونده‌ها زیاد شد، تنها سه درصد از کل آنها به شیوه نمونه‌گیری، نگهداری شده است. اصول انتخاب ویژه، به‌طور نمونه، در آرشیبوهای ملی، برای نگهداری انواع پرونده‌های موضوع کار، اعمال شده است. چنانکه در انتخاب پرونده‌های مربوط به روابط ملی کار، اهمیت موارد اختصاصی (شخصی) با توجه به معیارهای زیر، منظور می‌گردد:

- ۱- نتیجه موضوع مورد بحث؛
- ۲- تأثیر مسئله، در توسعه اصول و معیارهای قضاوت؛
- ۳- دخالت قضیه، در توسعه روشها و خطمشی‌ها؛
- ۴- شدت علاقه مردم، به موضوع مورد بحث؛
- ۵- اثر موضوع، در اقتصاد ملی یا محلی یا صنعت؛
- ۶- اتفاقات، اعتصابات و غیره، و تأثیر آنها بر مسئله.

اسنادی که نمایانگر اطلاعات متمرکزی در زمینه فرضیه‌های اقتصادی و اجتماعی است ممکن است از لحاظ آمار مورد بهره‌برداری قرار گیرند، از لحاظ مشخصات، به اسنادی می‌مانند که متضمن خلاصه‌هایی از اطلاعات شخص است. فهرستهایی که در

اجراست و نیز، گزارشهای اجتماعی و غیره، استفاده کرد. هر قدر از لحاظ زمینه مطالعات اقتصادی و اجتماعی به عقب برگردیم، اطلاعات، ناقصتر است؛ مثلاً، اسناد بازرگانی در قرن نوزدهم، تقریباً کمیاب و در قرن بیستم، به مقدار زیادی یافت می‌شوند. بنابراین، می‌توان گفت که اسناد مربوط به دوره‌های جدیدتر، می‌باید با سایر منابع اسنادی، جهت تعیین قطعی این نکته که تا چه حد نشانگر اطلاعات منحصر به فرد می‌باشند، بدقت مقایسه شوند. به‌هر حال، امروزه، اسناد زیادی درباره موضوعات اجتماعی و اقتصادی به وجود می‌آید. انتشارات دولت، غیرال، بتهایی می‌تواند اطلاعات ارزشمندی در این قسم موضوعات، به ما بدهد؛ بخصوص درباره مسایل اقتصادی کشور، می‌توان به اطلاعات قابل استفاده و چاپ شده بسیار زیادی، دسترسی پیدا کرد. این مسایل اقتصادی، به محصولات کشاورزی، صنعتی، تجارت، مصرف، بیکاری، شرایط مالی، قیمتها، درآمد و هزینه زندگی و امثال اینها ارتباط پیدا می‌کند.

در ارزیابی اسنادی که مربوط به موضوعات اجتماعی و اقتصادی می‌شود، آرشیبیست، باید بدقت معیار «انحصار» را در نظر بگیرد. اخیراً، در آرشیبوهای ملی و مراکز نگهداری اسناد، معیار منحصر به فرد بودن برای ردیفهای انبوهی از پرونده‌های درآمد مالیاتی - که برای بعضی از شرکتها بزرگ، مقرر شده بود - به کار می‌رفت. به‌هر حال، تجزیه و تحلیلها، نشان داد که اساساً اطلاعات مشابه در جای دیگر هم، در بسیاری موارد، قابل استفاده است؛ هر چند از تمام این شرکتها مالیات، یکسان گرفته نمی‌شود. متخصصان تجزیه و تحلیل، نتیجه گرفتند که منابع چاپ شده بازرگانی و سایر منابع رسمی، عموماً برای مطالعه در زمینه اشتغالات اقتصادی و خصوصاً برای مطالعه در هر شرکت مهم، از ردیفهای مورد بحث، بهتری می‌باشند. محقق، معمولاً می‌تواند بر نوته نوشته‌های چاپی، برای کسب اطلاعات درباره پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی روزمره کشور، تکیه کند. منابع چاپی، عموماً فراگیرنده، اطلاعات و معلومات کاملی هستند. اسناد دولتی، اصولاً زیاد جاگیرند و اساساً، معمول نیست که آرشیبیست چنین اسنادی را نگهداری کند و اگر قرار باشد، اسناد مربوط به مسایل اقتصادی و اجتماعی عادی معاصر را نگهداری کنند، باید به صورت منحصر به شکل نمونه‌های انتخابی، صورت گیرد. چندین دسته بزرگ از اسناد - که باید به علت دارا بودن اطلاعات استثنایی در مورد شرایط اجتماعی و اقتصادی نگهداری شوند - مانند اسناد مربوط به بحران اقتصادی سال ۱۹۳۰ - که شرایط صنعت را در اقتصاد کنترل شده زمان جنگ جهانی دوم، بخوبی نشان می‌دهد. اصول انتخاب، به‌خصوص می‌باید در مورد بیشتر اسناد اخیر که متضمن موضوعات اجتماعی و اقتصادی است - مورد عمل قرار بگیرد. این اصول، به ترتیب زیر، عبارتند از:

- ۱- سند، نماینده یا نشان دهنده همه اطلاعات و سوابق باشد؛
- ۲- با واقعه یا اقدامی پراهمیت، ارتباط داشته باشد؛





سرشماریهای صنعتی و کشاورزی تهیه می‌شود، دست کم بظاهر شبیه پرسشنامه سرشماری جمعیت می‌باشد. به هر حال، فهرستهای سرشماری که در زمینه امور بازرگانی و کشاورزی تهیه شده است - ارزش فهرستهای سرشماری جمعیت را ندارد. زیرا، فشردگی اطلاعات موجود در آنها، به علت ارتباطی نیست که با کشاورزی و تجارت بخش خصوصی دارند، بلکه به علت آن است که این اطلاعات فشرده، جدول بندی شده و به نحو رضایت بخشی، معین و مشخص شده است. آرشویست، در ارزیابی اسادی که مندرجات آنها از جهت آماری خلاصه می‌شود، مانند: فرمهای اداری، پرسشنامه های آماری و فهرستها، می‌باید کاملاً خردمندانه و از روی احتیاط، اقدام

کند؛ چون، اگر خود نماینده دولت که اسناد را برای مقاصد آماری به وجود آورده است - نتواند از آنها بهره برداری کند، بسیار دشوار به نظر می‌رسد کسی دیگری بتواند این هنر را به خرج بدهد. بهره برداری از چنین اسنادی - اگر مستلزم خرج زیاد باشد - برای محققان خارجی دولت، معمولاً کمتر شدنی است.

هرگاه اسناد، برای مقاصد آماری به وجود نیامده باشند، برای محققان بسیار مشکل است که بتوانند به آمار صحیح و دقیق، دسترسی پیدا کنند. در حالی که برای دانشمندان علوم اجتماعی، در درجه اول، اسناد مربوط به افراد، جالب توجه می‌باشد، برای دانشمندان علوم طبیعی، اسناد مربوط به اشیاء، بیشتر جالب است. اسناد علمی، مسایل خاص ارزشیابی را برای آرشویست، بیش می‌آورد. این مشکلات، بیشتر درباره اسناد علمی مورد نیاز تحقیقات علمی، بروز می‌کنند نه درباره اسناد مربوط به تاریخچه فعالیت‌های علمی در دولت فدرال - که بی تردید برای نگهداری در آرشیو، مناسب می‌باشند. اسناد علمی، ممکن است به صورت اطلاعات مقدماتی باشند - که پیامد مشاهدات و سنجش پدیده‌های مختلف است و یا به صورت جداول یا مقالات خلاصه شده این اطلاعات، جلوه کنند. آرشویست، معمولاً ترجیح می‌دهد که جدولها و خلاصه‌ها را نگهداری کند، سوابق جستارهای علمی مقدماتی یا اصلی، و اجداد ارزش می‌باشند. زیرا اگر چه ممکن است این اسناد، در جدول بندی و خلاصه شدن، بخشی از ارزشهای جزئی خود را از دست بدهند، ولی به هر حال، مقدار زیادی از ارزش خود را حفظ خواهند کرد. جدولها، معمولاً نشان دهنده میانگینها هستند و خلاصه‌ها، مهمترین مشخصات را در هر نوع سنجش بیان می‌کنند. ارزش اطلاعات اصیل،

بستگی به طبیعت موضوعاتی دارد که مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و مسجیده می‌شوند. ارزش این اطلاعات، تا حدی است که مشاهدات و اندازه گیریها را بیشتر دیگران انجام می‌دهند تا کسانی که موجود پدید آورنده این اطلاعات بوده‌اند. آرشویست، احتمالاً حق دارد اطلاعاتی را - که از سنجش عناصر اصلی سرچشمه می‌گیرد - مانند موضوعات مربوط به زمین و اقیانوسها و فضا، نگهداری کند. اسناد دربردارنده مشاهدات جوی که در دستگاههای جو شناسی و هواشناسی تهیه یا از چنین دستگاههایی ارسال می‌شوند - پس از تطبیق از فراهم شدن وسایل نگهداری و بهره برداری از آنها، به مراکز اولیه خود بازگردانده می‌شوند. اما، اسناد قبل از ۱۸۹۰، پس از فیلمبرداری و تهیه نسخه‌های مکرر از آنها، به اداره هواشناسی فرستاده شد. اسناد علمی هم مانند اسناد و مدارک دیگر، باید ارزشی فوق اسناد موفقی و معمولی داشته باشند تا نگهداری آنها برای آرشویست، ارزش داشته باشد. این موضوع، درباره مدارک و اسناد علمی - که بتازگی کشف شده یا در آزمایشگاهها و مراکز علمی، آزمایش شده و به دست آمده است - به طور کلی، صدق نمی‌کند و نباید آنها را با معیارهای فوق، اندازه گیری کرد. زیرا، ممکن است این گونه اسناد را مکرر به دست آورد، خلاصه اسنادی که از طریق آزمایشگاههای شیمی و زیست شناسی به دست می‌آید، ارزش نگهداری در آرشیو ملی نداشتند. اسناد علمی، به صورت ابتدایی، ممکن است مشکلاتی برای آرشویست از جهت شکل ایجاد کنند؛ چونکه جای زیادی می‌گیرند و اغلب، مشخصاتی دارند که استفاده از آنها را غیر علمی می‌سازد و ممکن است فقط برای کسانی قابل فهم باشند که این اطلاعات را یادداشت کرده‌اند؛ مانند کارتهای متکه شده‌ای



که در کارهای آماری مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته این کارتها، بدون استفاده از اسباب و وسایل مکانیکی و الکترونیکی به کمک متخصصان فن، برای دیگران قابل درک نیست. این اسناد علمی، ممکن است به صورت یادداشت‌هایی که با وسایل فنی مانند نوار، فیلم، گراورهای عکس، نقشه یا کارت تهیه شده، قابل استفاده باشند. بدیهی است، این فرمها، مشکلات خاص نگاهداری را بخصوص در هنگام مراجعه، نمایان می‌سازند.

نتایج

اکنون، می‌توان با توجه به ارزیابی اسناد دولتی، چند نتیجه‌گیری کلی به عمل آورد،

۱- ملاحظاتی که باید به منظور حفظ ارزش اسنادی که نمی‌توان آنها را به حد معینی کاهش داد، به یاد داشته باشیم. معیارهای ماسی نتواند کمی بیش از اصول، کلی باشد. البته این معیارها، صددرصد دقیق نیست. برخی از معیارهای کلی که در بعضی از سازمانهای دولتی ویژه، رعایت می‌شود، ممکن است دقیقاً معین شده باشد، ولی به این معیارها نباید با نظر مطلق بانهایی نگاه کرد. این معیارها، در بهترین صورت خود، صرفاً می‌توانند به عنوان راهنمای خط مشی، جهت غلبه آرشویست باشد بر اشکالات ارزیابی.

۲- از آنجا که معیارهای ارزیابی، دقیق و قطعی نیست، این مسئله پیش می‌آید که چنین معیارهایی را نباید با قاطعیت به کار برد. آرشویستها، ممکن است معیارهای مختلفی در ارزیابی اسناد زمانهای مختلف، به کار ببرند. زیرا، اسنادی که در سالهای گذشته با ارزش بوده‌اند، احتمال دارد که در حال حاضر بی ارزش باشند و البته، عکس این قضیه هم، صحیح است. همچنین، آرشویستهای سازمانهای آرشویی دیگر، ممکن است معیارهای مختلفی را، حتی در ارزیابی اسناد مشابه، به کار ببرند. زیرا، آنچه که برای یک سازمان آرشویی با ارزش است، محتمل است برای سازمانی دیگر، فاقد ارزش باشد. وجود یک ثبات کامل در قضاوت ارزشهای اطلاعاتی، به همان اندازه که غیرممکن است، نامطلوب نیز هست. ممکن است در مورد اسناد مربوط به موضوعات خاصی که می‌باید در مکانهای مخصوص نگهداری شوند، قضاوتهای مختلفی بشود؛ هرچند این اسناد، فی نفسه ارزش نگهداری واقعی نداشته باشند. همچنین، قضاوتهای مختلف، ممکن است باعث جمع‌آوری اسناد کشور، در میان اسناد سازمانهای مختلف آرشویی بشود؛ به نحوی که آن سندی که باید نگهداری شود، حیثاً نادیده گرفته شود و در مقابل، از سند غیرلازمی نگهداری به عمل آید.

۳- از آنجا که معیارهای ارزیابی، قطعی و نهایی نیست، باید با اعتدال و منطق، به کار برده شوند. آرشویست، نباید در نگهداری و

امحای اسناد، با انراط و تقریط عمل کند. او، باید دستور ارسطو را مبنی بر رعایت اعتدال در همه چیز و پرهیز از افراط، به کار ببندد. این حکم، در مورد آن موضوع، شبیه دو معیاری است که «میستر» آرشویست آلمانی متذکر شده است: «جنبه‌های افراطی - که باید از آنها اجتناب کرد»، و نیز، «خلاصه کردن زیاد هم، کار صحیحی نیست».

۴- معیارهای ارزیابی، نباید بر پایه درک مستقیم یا فرضیات اختیاری بر حسب وهم و گمان باشد. این معیارها، باید بر اساس تجربه و تحلیل‌های دقیق از اسنادی باشد که ارتباط به موضوعات آن اسناد دارند. تجزیه و تحلیل، اساس ارزیابی آرشویی است. در هنگام ارزیابی ارزشهای اسنادی اسناد، آرشویست، باید به مسئله جمع‌آوری تمامی اسناد سازمانی که آنها را ایجاد کرده است، اهمیت بدهد. او، نباید ارزشیابی خود را بر پایه‌های تدریجی یا بر اساس واحدهای سازمانی فردی داخل یک سازمان، قرار بدهد و می‌باید ردیف مخصوصی از اسناد را با ردیف دیگر، تطبیق و ارتباط بدهد و آنها را تحت بررسی در آورد تا بتواند اهمیت آنها را به عنوان مدرکی از سازمان و وظایف یک مؤسسه، درک کند. بدیهی است که ارزشیابیهای آرشویست، تا حد زیادی، بستگی دارد به تجزیه و تحلیل، که او در متناهی اسناد و ارتباط و پیوستگی آنها به عمل می‌آورد. همین طور، در هنگام تعیین ارزشهای اطلاعاتی اسناد، آرشویست باید به جمع‌آوری تمامی اسناد موجود در اجتماع بپردازد و اطلاعات مربوط به آنها را به حساب بیاورد. آرشویست، می‌باید تصمیم بگیرد که آیا ردیف بخصوصی از اسناد در دست بررسی، متضمن اطلاعات منحصر به فرد هست و آیا این ردیف، به شکلی هست که به عنوان یک منبع اطلاعات با ارزش به شمار رود؟ فقط پس از اجرای این عمل، او، وارد مرحله اصلی می‌شود و مسایلی که از لحاظ تحقیقی حائز اهمیت می‌باشد، برایش مطرح می‌شود. معیارهای ارزیابی آرشویست در مورد اسناد، تا آن حد قابل اعتماد است که کلیه مدارک قابل اسناد دیگر را هم در مسئله مورد بحث، تجزیه و تحلیل کرده باشد. ۵- اگر تجزیه و تحلیل‌های او، اطلاعات مورد لزوم را در مورد ارزیابی اسناد حاصل نکند، در اینجا آرشویست، باید از کارشناسان کمک بگیرد. البته، این مسئله مسلم است که از آرشویست، نمی‌توان انتظار داشت که احتیاجات تحقیقی همه رشته‌های علمی را بداند. به نحوی که گاهی او مجبور می‌شود اسنادی را که برای دانش اوست، ارزیابی کند. در ارزیابی اسناد رشته‌هایی که آرشویست، برای آن رشته‌ها تربیت نشده است، در صورت لزوم، می‌باید از متخصصان آن رشته‌ها کمک بگیرد. اگر سازمان آرشویی، سازمان معظمی باشد، احتیاج به عده‌ای متخصص در رشته‌های مختلف دارد که تخصص آنها، برای ارزیابی ردیفهای مخصوصی از اسناد دولتی، مورد نیاز خواهد بود و اگر سازمان کوچکی باشد، کمتر احتیاج به متخصصان رشته‌های مختلف هست و احتیاج به کمکهای خارجی، بیشتر خواهد شد.

در آرشو ملی آمریکا، گروهی از کارشناسان، برای ارزیابی



استاد وزارت دارایی و همچنین، سازمان قانونگذاری دولت، برای رسیدگی به امور مالی سازمانهایی که وظیفه اجرایی در دولت به عهده دارند، کمکهای مفیدی انجام دادند. این اسناد، مسلماً از لحاظ اینکه در بردارنده مدارکی از سازمان و تشکیلات بودند، بسیار کم ارزش می نمودند؛ ولی از زمانی که این اسناد، همه تاریخ ملی امریکا را دربر گرفت، احتمال داده می شد که این اسناد، متضمن اطلاعات جزئی یا اتفاقی، درباره حوادث و وقایع مهم تاریخی، اقتصادی و اجتماعی باشند. ارزیابی این اسناد، صرف نظر از اینکه احتیاج به درک فراوان و اطلاع در امور تحقیقی داشت، وظیفه سنگینی بود که از عهده یک شخص نمی توانست بخوبی ساخته باشد. گذشته از اینکه این

اقتصادی مفید می باشند، آرشویست، می باید مشکلات عملی موجود در راه نگهداری این اسناد را در نظر داشته باشد و این مشکلات را به محققانی که به نگهداری این اسناد، علاقه نشان می دهند نیز، خاطر نشان سازد. اگر آرشویست، نخواهد انبارهایش را با توده ای از اوراق و مواد بی ارزش پر کند، باید نشان بدهد که جمع آوری و انتخاب دقیق اسناد تولید شده بخش دولتی، کاری بسیار ضروری است. زیرا، ازدیاد غیر منطقی اسناد بی ارزش، سبب می شود که اسناد ارزشمند نیز، در میان آنان غرق شود و لازم است به این حقیقت نیز، پی ببرد که دولت، فقط خزاین محدودی برای نگهداری منابع و اسناد ذیقیمت خود در اختیار دارد و این خزانه ها، بحق باید به اسنادی اختصاص داده شود که حائز اهمیت فوق العاده اند.

اسناد را، متخصصان ستاد آرشو ملی امریکا، بازدید کردند، از متخصصان رشته های تاریخ نظامی، تاریخ غرب و مدیریت عمومی نیز، استفاده شد.

۶ قبل از جلب کمک کارشناسان، آرشویست، باید در مراحل اول، تجزیه و تحلیل های اساسی خود را انجام بدهد. زیرا این عمل، مقدمه ارزیابی اسناد است. او، ابتدا باید معلوماتی را که پایه و اساس تعیین «منحصر به فرد بودن» و «شکل» است، از اطلاعات موجود در آن اسناد، گردآوری کند. آرشویست، باید دسته های مختلف اسناد در دست ارزیابی را توضیح بدهد و شکل و حجم آنها را علامتگذاری کند. همچنین، انواع اطلاعات قابل استفاده موجود در آنها و ارتباط آنها را با دیگر ردیفهای اسناد - که دارای اطلاعات مشابهی است - و نیز، ربط آنها را با منابع چاپ شده و امثال آن، تعیین کند تا محققان بتوانند نسبت به

این اسناد، تصمیم بگیرند. یعنی بتوانند دسته ها یا ردیفهای مخصوص اسنادی را که دارای اطلاعات باارزشی برای رسیدگی در موضوعات مختلف است، بشناسند و از مفیدترین و خلاصه ترین آنها، بهره مند شوند.

۷- هنگامی که محققان، در مورد ردیف مخصوصی از اسناد، کار خود را با علاقه تعقیب می کنند، آرشویست، باید وظیفه خود را به صورت رهبر و راهنما انجام دهد. آرشویست، یا توجه به اسنادی که روز به روز در حال ازدیاد است، متوجه می شود که همه آنها را نمی تواند نگهداری کند و به این نتیجه می رسد که مقداری از آنها را باید از بین ببرد و باید گفت که در حقیقت، امحای قسمت اعظمی از آنها، خدمتی به تحقیقات محققان به شمار می رود. بنابراین، در ارزیابی بعضی از دسته های بزرگ اسنادی که از جهت مطالعات اجتماعی و

پانویستها:

۱. Doge of Venice.
۲. Galileo